

Research Paper

Quiddity and elements of economic crimes

Isa Bani Naimah 

Assistant Professor, Department Of Criminal law and Criminology, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran

Receive:

2 July 2024

Revise:

18 August 2024

Accept:

12 September 2024

Published online:

21 September 2024




Keywords:

economy,
economic crimes,
economic corruption,
crimes against property,
financial corruption.

Abstract


Economic crimes are one of the few crimes that, despite the traditional nature of some examples, have attracted the attention of jurists in recent decades. Because the more people depend on the economy and the more intense the human need for the economy, the more it is felt to prepare the society for healthy economic activities and to prevent the corruptions that endanger these activities. Identifying these corruptions and criminalizing them. Regarding it, it is one of the concerns of the legislative power of the countries. In the field of economic activities, what causes an act to be considered corruptive is the harmfulness of that act and harming the society and the members of the society. Therefore, the term loss is always associated with economic crimes, and without criminal losses, it cannot be realized under the title of economic crimes. In other words, one of the basic components of the material element of these crimes is damage.

Please cite this article as (APA): Bani Naimah, I.(2024). Quiddity and elements of economic crimes. *Journal of Business law and economics*, (1) 1, 201-212.

Sponsored by: Institute of Somamos Publications	https://doi.org/10.22034/jble.2024.208608	
Corresponding Author: Isa Bani Naimah	https://orcid.org/0009-0006-5372-6915	
Email: baninaeimeh@vatanmail.ir	This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License .	

مقاله پژوهشی

ماهیت و ارکان جرایم اقتصادی

عیسی بنی نعیمه 

استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

چکیده

جرایم اقتصادی از معدود جرائمی است که علیرغم سنتی بودن برخی از مصادیق آن، مورد توجه حقوقدانان در دهه‌های اخیر قرار گرفته است. زیرا هر چه انسان به اقتصاد وابسته تر و نیاز انسان به اقتصاد شدیدتر می‌گردد، آماده کردن بستر جامعه برای فعالیت‌های اقتصادی سالم و جلوگیری از مفاسدی که این فعالیت‌ها را به مخاطره می‌اندازد بیشتر احساس می‌شود. شناسایی این مفاسد و جرم انگاری در خصوص آن از دغدغه‌های قوه مقننه کشورهاست. در حیطه فعالیت‌های اقتصادی آنچه باعث می‌شود یک عمل مفسده انگیز تلقی شود، مضر بودن آن عمل و وارد کردن ضرر به جامعه و افراد جامعه است. لذا واژه ضرر همیشه با جرائم اقتصادی همراه بوده و بدون ضرر جرمی تحت عنوان جرائم اقتصادی محقق نمی‌شود. به عبارت دیگر از اجزای اساسی تشکیل دهنده عنصر مادی این جرائم، ضرر است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۴/۱۲

تاریخ بازنگری: -

۱۴۰۳/۰۵/۲۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۲۲




تاریخ انتشار آنلاین:

۱۴۰۳/۰۶/۳۱

کلید واژه‌ها:

اقتصاد، جرایم اقتصادی،
فساد اقتصادی، جرایم
علیه اموال، فساد مالی.

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): بنی نعیمه، عیسی. (۱۴۰۳). ماهیت و ارکان جرایم اقتصادی، دانشنامه حقوق کسب و کار و اقتصاد، (۱) ۲۰۱-۲۱۲.

	https://doi.org/10.22034/jble.2024.208608	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی سما موس
	https://orcid.org/0009-0006-5372-6915	نوسنده مسئول: عیسی بنی نعیمه
	این مقاله تحت شرایط https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa قابل بازنشر است.	ایمیل: baninaeimeh@vatanmail.ir



مقدمه

جرائم اقتصادی در اصطلاح عبارتند از: جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می یابند یا به این قصد انجام می شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می شوند. جرم اقتصادی جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد، بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی داشته باشد.

اقتصاد در زندگی افراد جامعه، نقش بی بدیلی را ایفا می کند و به دلیل برخورد مستقیم با زندگی مردم، اساسی بوده و به هیچ عنوان نمی توان آن را نادیده گرفت؛ به نحوی که به نقل از معصومین، نابسامانی در حوزه اقتصاد نه تنها باعث اختلال در حوزه های دیگر زندگی می شود بلکه دین و معاد انسان را نیز تحت تاثیر خود قرار می دهد. فساد اقتصادی به متمرکز کردن ثروتها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان غنی و فقیر را افزایش می دهد که برای مرفهان، ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعی را تامین می کند. فساد اقتصادی شرایطی را فراهم می نماید که در سایه آن، دیگر انواع جرائم تسهیل می یابند. بدون شک برقراری و حفظ نظم اقتصادی در گرو مبارزه با اخلاکگران در نظام اقتصادی و مجرمین اقتصادی است. مبارزه با جرائم اقتصادی هم موجب برقراری نظم اقتصادی می شود و هم از آثار و تبعات مضر اختلال در اقتصاد کشور جلوگیری می کند. امروزه اقتصاد نقش کلیدی در زندگی بشر بازی می کند. به همین دلیل مبارزه با مفاسد اقتصادی دارای جایگاه منحصر به فردی است. برای جرائم اقتصادی عناوینی چون مفاسد اقتصادی، جرائم یقه سفیدها (که مقام مرتکب وجه تسمیه قرار گرفته است) و اصطلاح جرائم سازمان یافته (جرائمی که هدف و غایت آن کسب قدرت مادی است که با نبوغ فرد به وقوع می پیوندد و نیاز به برنامه ریزی دارند) و... به کار می رود. اهمیت این جرائم در کشور نیز موجب شکل گیری ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی شده است. علاوه بر آن قوه قضاییه مجتمعی را برای رسیدگی به جرائم اقتصادی اختصاص داده است.

۲- تعریف جرم در معنای لغوی و فقه و حقوق:

جرم از نظر لغت به معنی گناه و انجام عمل نهی شده و یا ترک فعل توصیه شده است. ملاک جرم بودن یک عمل بیشتر تابع دیدگاههای مختلفی که حقوقدانان و دانشمندان در خصوص مسائل اجتماعی داشته اند می باشد. جرم در معنای فقهی آن، به معنی گناه و انجام عمل نهی شده و یا ترک فعل توصیه شده است. در اسلام هر عمل خارجی (چه فعل باشد چه ترک فعل) مغایر با اوامر و نواهی خداوند متعال جرم محسوب شده و مستحق مجازات است، واز آن با تعابیر اثم، سیئه، سوء و جناح یاد شده است. ملاک اصلی جرم بودن عملی همان مخالفت با اوامر و نواهی است چه مفسده آن عمل متوجه شخصی مجرم باشد و چه متوجه دیگران و جامعه و در معنای حقوقی آن طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲، هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود.

۲-۱- انواع جرائم:

انواع جرائم به این علت مورد بحث قرار می گیرد تا موقعیت جرائم اقتصادی که موضوع اصلی در این نوشتار است در بین جرائم دیگر مشخص شود.

جرائم به اعتبار اینکه جسم افراد یا اموال مردم و آیا آسایش و امنیت عمومی صورت می گیرد به سه دسته تقسیم می شوند و به «جرائم علیه تمامیت جسم اشخاص» و «جرائم علیه اموال» و «جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی» معروف می باشند.



جرایم اقتصادی از این جهت که از نظر مالی موجبات ضرر و زیان به افراد جامعه را فراهم می‌کنند از جرایم علیه اموال محسوب می‌شوند، و از طرفی چون امنیت و آسایش عمومی را خدشه دار می‌کند از جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی است. بنابراین از خصیصه های این جرایم این است که می‌تواند به اعتباری جزء جرایم علیه اموال، و از جهت دیگر جزء دسته دیگری از جرایم باشند.

البته می‌توان جرایم اقتصادی را گروه مستقلی از سه دسته دیگر از جرایم به حساب آورد، و به عنوان جرایمی که نظام اقتصادی کشور را مختل کرده و فراتر از جرایم علیه اموال که مرتکبین آن مستقیم متعرض اموال اشخاص می‌شوند و جرایم علیه آسایش و امنیت عمومی که در آن جنبه های ضررهای مالی جرایم کمتر مدنظر است محسوب نمود.

امروزه جرایم علیه اشخاص و یا علیه اموال شکل بین المللی و فراملی به خود گرفته است. نسل کشی، خشونت علیه زنان در جنگها، شکنجه، اخراج و انتقال جمعیت و انجام آزمایشات غیر قانونی روی انسانها از جرایم بین المللی علیه اشخاص جرایم سازمان یافته مثل تجارت مواد مخدر، تطهیر اموال نامشروع، اخلال در نظام صادراتی کشورها، و اخلال در صنایع از جرایم بین المللی علیه اموال محسوب می‌شود.

۲-۲- ماهیت جرایم اقتصادی و تعریف آن

جرایم اقتصادی معمولاً در بستر یک بنگاه اقتصادی، موسسه یا شرکت رخ می‌دهد. حقوق کیفری اقتصادی، هم حقوق کیفری تجاری و هم فراتر از آن می‌باشد. در واقع حقوق کیفری اقتصادی دو رسالت عمده بر عهده دارد: ۱- حمایت از منافع خصوصی افراد. ۲- مدیریت اداره ی اقتصاد کشور. (تضمین منافع جمعی و منافع دولت) اگر بخواهیم این دو را از هم تفکیک کنیم حقوق کیفری تجاری منافع خصوصی تجار و شرکت ها را تضمین می‌کند. در حالی که حقوق کیفری اقتصادی فراتر از منافع یک عده ی خاص است.

اما ماهیت حقوق کیفری اقتصادی بر اثر اینکه نوع نظام ما از جهت اقتصادی لیبرال یا ارشادی باشد متفاوت است. در نظام ارشادی حضور دولت پررنگ است. لذا حقوق کیفری اقتصادی گسترده تر است. ولی، در نظام لیبرال چون حمایت از سرمایه مهم است فی المقدمه تخلفات اقتصادی با ضمانت اجراهای صنفی، اداری و غیر کیفری پاسخ داده می‌شود.

در مورد جرایم اقتصادی یک جامعیت در تعریف و مصادیق آن وجود ندارد. ولی راجع به آیین دادرسی خاص جرایم و مجازاتها اکثر حقوقدانان به یک جمع بندی کلی رسیده اند که ذیل حقوق کیفری اقتصادی قرار می‌گیرند.

در حقوق داخلی هیچ گونه تعریفی از جرم اقتصادی وجود ندارد و با خلاء قانونی روبرو هستیم (میر محمد صادقی، حسین، جزای اختصاصی ۳، ص ۳۱۱).

در یک رای دیوان کشور فرانسه جرم اقتصادی چنین تعریف شده است: جرم اقتصادی جرمی است که مربوط به تولید، توزیع و جریان و مصرف کالا و تولیدات می‌شود.

برای جرایم اقتصادی وجود ۴ عامل ضروری است: ۱- وجود ساختارها و مبنای اقتصادی سالم؛ جرم اقتصادی در یک بستر سالم و در قالب قرارداد و روابط اقتصادی و با همکاری نهادهای دولتی یا به صورت مستقل صورت می‌گیرد. در سازمان های مافیایی که ذاتاً مجرمانه اند جرم اقتصادی نداریم.

۲- کنارگذاری عنصر خشونت. ۳- جرم اقتصادی با نوعی فرصت طلبی مجرمانه ملازمه دارد: این فرصت طلبی ارتباط تنگاتنگی با درجه ی هوش و صلاحیت حرفه ای و شغلی مرتکبین و میزان اعتماد افراد به آنها دارد. این بزهکاران برای جامعه خطرناک



ترند چون هم جامعه پذیرند هم از سازگاری اجتماعی بالایی برخوردارند. ۴- اصولاً در جرایم اقتصادی مرتکبین به دنبال کسب سود و پول هنگفت هستند.

۳- سابقه و تاریخچه جرائم اقتصادی:

زندگی اجتماعی بشر در طول تاریخ بستر به وجودآورنده بسیاری از اعمال ناشایستی است که به زندگی اجتماعی بشریت لطمه و توان انسانها را جهت برنامه ریزی و تلاش برای رشد و ترقی تقلیل داده است. انسانها برای پیشگیری از وقوع این اعمال به وضع مقررات و قوانین اقدام کرده و واکنشهای مناسب با زمان و مکان برای هریک از آن در نظر گرفته اند و بی شک جرائم اقتصادی من جمله (اختلاس، رشوه، جعل و به مراتب اخلال در نظام ارزی کشور و پولشویی) که دغدغه بزرگ اجتماعی در جوامع در طول تاریخ بوده است میباشد آغاز واکنش با این پدیده های نامیمون مشخص نیست، اما با توجه به روند شکل گیری بزهکاریهای مشابه و آغاز واکنش جوامع در قبال آن، در خصوص رشوه، میتوان ادعا کرد از زمانی که انسانها ضرورت وجود حاکمیت عده ای بر جامعه را احساس و به حاکم کردن اقلیتی بر جامعه تن دادند و در قبال اعطاء حاکمیت از ناحیه جامعه به این گروه آنها متعهد به اعطاء خدماتی شدند نطفه این بزه شکل گرفت. و چون جامعه و حکام، عدالت و حق جویی و چه بسا امنیت را با وجود این بزه بین کارگزاران زیر سوال رفته می دیدند به تعیین واکنش مناسب با اینگونه پدیده ها مبادرت ورزیده و مجازاتهای سختی برای مرتکبین آن در نظر گرفتند.

۴- جرائم مالی و جرائم اقتصادی:

مال یکی از نعمت های الهی است که برای فرد مؤمن وسیله استفاده از منافع دنیوی و زینت دادن به آن است: «المال و البنون زینه الحیاه الدنیا و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر اماًلاً.» (یعنی: مال و پسران (قدرت) زینت زندگی مادی است، و انجام اعمال عام المنفعه (با اخلاص) از جهت ثواب و بره اخروی در نزد پروردگار بهترین عمل است). خداوند فطرت انسان را به گونه ای قرار داده است که به مال توجه و علاقه خاصی داشته، زیرا استمرار حیات انسان که مورد خواست خداوند است به آن بستگی دارد. لیکن این علاقه و توجه گاهی طغیان می کند و انسان را به جمع آوری مال و ثروت ترغیب به حدی که حتی از تجاوز و تعدی به اموال دیگر ابایی ندارد. برای حفظ نظام اجتماعی و سلامت جامعه از نظر اقتصادی و اجتماعی ناگزیر از وضع مقررات و ممنوع نمودن برخی از اقداماتی که منجر به تعدی به اموال دیگری می شود می باشیم. رعایت این مقررات ضمانت های اجرایی مناسبی می طلبد که افراد طغیانگر جامعه ارتکاب این اعمال را مقرون به منفعت ندانسته و مبادرت به این تجاوزات ننماید این قوانین و مقررات تحت دو عنوان «جرائم مالی» و «جرائم اقتصادی» در قوانین کشورها مطرح است، اگر چه هنوز تفکیک دقیقی بین این دو دسته از جرائم صورت نگرفته است و بیشتر از مجموع این دو دسته به «جرائم مالی» یا «جرائم علیه اموال» یاد می شود، لیکن با کمی دقت در مصادیق آن می توان هر یک از این دو دسته از جرایم را تعریفی جداگانه نمود.



۴-۱- تعریف « جرائم مالی » و « جرائم اقتصادی »

۴-۱-۱- جرائم مالی :

به این دسته از جرائم « جرائم علیه اموال » هم می گویند . و آن « جرائمی است که در آنها تجاوز به مال افراد جامعه یا به اموال عمومی صورت گیرد . مانند : سرقت ، خیانت در امانت ، حرق اموال دولتی که در اعتصابات پیش می آید.» مصادیق این نوع جرایم در قوانین جزایی تحت عناوین مذکور و عناوین دیگری مانند : کلاهبرداری ، تخریب اموال منقول و غیر منقول و کشتن و مسموم یا تلف و ناقص کردن حیوانات حلال گوشت متعلق به دیگری ، اتلاف اسناد و اوراق تجاری دیگری ، ذکر شده است .

برای این دسته از جرائم اصطلاحات دیگری هم پیشنهاد شده است . برخی عقیده دارند که « به استثناء جرم تخریب در سایر جرائم علیه اموال ضرری به خود مال زده نمی شود ، بلکه صدمه به حقوق مالی ، اصطلاح صحیح تری نسبت به اصطلاح « جرائم علیه اموال » می باشد .

۴-۱-۲- جرائم اقتصادی :

بحث از جرایم اقتصادی در حیطه « حقوق اقتصاد کیفری » یا « حقوق جزای اقتصادی » می باشد. حقوق جزای اقتصادی ، « آن رشته از حقوق جزاست که به تعرضات علیه نظام مالی و اقتصادی و اجتماعی و همچنین به نحوه و کیفیت حیات انسانی می پردازد و این تعرضات را مورد مجازات قرار می دهد . »

به عبارت دیگر این رشته از حقوق جزاء نه تنها نظام اقتصادی جامعه را مد نظر داشته بلکه چون تعرضی علیه نظام اقتصادی است ، نظام اجتماعی را متزلزل نموده و در شئونات غیر مالی افراد جامعه تاثیر بسزایی می گذارد و در حقیقت نحوه و کیفیت حیات انسانی را مورد تهدید قرار می دهد ، به بررسی هر نوع تعرض اقتصادی مخل نظام اجتماعی و حیات انسانی پرداخته می شود .

با توجه به تعریف بیان شده است رشته « حقوق جزای اقتصادی » می توان گفت جرم اقتصادی آن عملی است که در آن به نظام اقتصادی کشور صدمه وارد کرده ، بطوریکه نظام اجتماعی جامعه را تحت شعاع قرار می دهد و اختلاس ، ارتشاء ، ربا ، احتکار ، رقابت مکارانه ، گران فروشی ، تقلب و دسیسه ، جعل اوراق و اسناد بهادار و اسکناس و نیز جرائم مالی که به صورت سازمان یافته چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی صورت می یابد نیز از جرایم اقتصادی محسوب می شود. بطور کلی هر عملی که اخلال در نظام اقتصادی جامعه را فراهم نماید و قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد جرم اقتصادی است .

در اسلام قواعد و اصول کلی وجود دارد که با تمسک به آن می توان هر عملی را که به نوعی تعرض به حقوق مالی افراد و جامعه باشد مجرمانه تلقی نمود ، گذشته از این به مجرمانه بودن برخی از اقدامات علیه اموال و نظام اقتصادی کشور به صراحت اشاره شده است . برخی از این اصول و قواعد عبارتند از : اصل نفی ظلم ، اصل نهی از فریب مؤمن ، اصل نفی از خیانت ، اصل رعایت عدل و قسط ، اصل عدم اخلال در بازار مسلمین و غیره .

۴-۱-۳- تفاوت « جرائم مالی » و « جرائم اقتصادی »

تفاوت هایی که این دو دسته از جرائم داشته با توجه به تعاریفی که از آنها بیان شده عبارتند از :



«جرم مالی یک جرم عمومی است» و در چهار چوب حقوق جزای اقتصادی می‌گنجد. مثل: کلاهبرداری، که یک فرد با توسل به اسباب متقلبانه مال دیگری را می‌برد و یا سرقت که ربودن مال غیر بطور پنهانی است. در جرایم مالی اگر چه در نهایت به جامعه لطمه وارد می‌شود، ولی چون نوعاً اقدام یک یا دو نفر علیه یک و چند نفر است، به طور مستقیم نظام اقتصادی جامعه را تهدید نمی‌کند، اما جرم اقتصادی فراتر از یک جرم مالی است زیرا جرائم راساً نظام اقتصادی و علاوه بر آن نظام اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد، و در قالب یک جرم ملی جلوه می‌کند. و حتی گاهی بصورت یک جرم بین‌المللی مطرح است. در عوامل مؤثر در مجازات مجرمین در جرائم مالی و جرائم اقتصادی تفاوت است. برای تعیین میزان مجازات و شدت و قلت آن نوعاً شاخصهای در نظر گرفته می‌شود، در جرائم عمومی موارد زیر را می‌توان به عنوان شاخص های احتمالی برای تعیین شدت جرم ذکر کرد:

«خصوصیات مجرم، خصوصیات قربانی، شرایط و اوضاع و احوال جرم و ارزش غیر مالی اموال مثل مالی که صرفاً دارای ارزش عاطفی برای قربانی جرم می‌باشد».

البته گاهی ارزش مال هم مورد توجه است ولی باید توجه داشت که نه ارزش مال فقط یکی از راههای ارزیابی میزان صدمه وارده است، و نمی‌توان آنرا یک معیار قطعی تلقی کرد.

در جرائم اقتصادی برای تعیین مجازات مجرمین نباید این عوامل را به عنوان عوامل اصلی تعیین میزان مجازات مدنظر داشت، زیرا این دسته از جرائم بر خلاف جرائم اقتصادی نظام محسوب نمی‌شوند تا فقط حقوق افراد در آن لحاظ شده باشد، بلکه در جرائم اقتصادی نظام اقتصادی جامعه مورد تعرض قرار می‌گیرد لذا باید صرف نظر از اینکه مجرم چه کسی است و قربانیان مستقیم این جرایم چه خصوصیتی دارند و اوضاع و احوال جرم چگونه بوده است، و ارزش غیر پولی و پولی اموالی که در راستای ارتکاب این جرائم مورد تعرض بوده چه میزان می‌باشد به تعیین مجازات پرداخت و به میزان خسارت و آسیبی که به نظام اقتصادی جامعه وارد شده و اثرات روحی و روانی که این گونه جرائم در حد کلان در جامعه از فرد باقی می‌گذارد و منجر به اختلال در روابط اقتصادی افراد می‌گردد و به میزان تعرضاتی که به نظام اجتماعی ملتهم از صدمات وارده به نظام اقتصادی وارد می‌شود عنایت داشت.

۵- عنصر ضرر در جرایم اقتصادی

یکی از شرایط تحقق جرائم اقتصادی ایجاد ضرر و زیان به افراد جامعه است. در صورت عدم تحقق این شرط جرم اقتصادی محقق نشده است. البته این ضرر و زیان گاهی بالفعل است مثل ضررهایی که از گران فروشی، احتکار، ربا، قاچاق کالا، استفاده از اسناد و نوشته های مجعول به جامعه وارد می‌شود و گاهی بالقوه خواهد بود، مثل جعل اسکناس یا سکه یا اسناد. اعتبار این امر برای جرائم اقتصادی در فقه اسلامی لحاظ شده است و در برخی روایات به تحقق ضرر برای وقوع جرم به صراحت اشاره می‌گردد. در روایتی در خصوص احتکار گفته شده است: «کل حکره یضر بالناس و تغلی السعر علیهم فلا خیر فیها» (یعنی: در هر مال احتکار شده ای که به مردم ضرر برساند و موجب گرانی شود خیری در آن نمی‌باشد).

با توجه به اینکه هر نوع جرمی ماهیتاً در بردارنده نوعی ضرر و زبانی خواه مادی و خواه معنوی به افراد جامعه می‌باشد، و اصولاً جرم انگاری نسبت به فعل یا ترک فعل توسط قانونگذار ناشی از این است که این عمل برای امنیت جامعه و یا عدالتی که باید در جامعه افراد از آن برخوردار باشند مضر است، تصریح به عنصر ضرر در جرائم اقتصادی به این علت است که این گونه جرائم از نظر اقتصادی نظم جامعه را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد و آثار آبی آن در جامعه از ضررهای جرایم دیگر بیشتر و ملموس تر



است. و از طرف دیگر غالباً مرتکبین جرایم اقتصادی با انگیزه های مالی و مادی اقدام به این گونه اعمال مجرمانه نموده و تاثیر اعمال آنها گاهی تمام جامعه یا بخش قابل توجهی از آن را تحت شعاع قرار می دهد. بنابراین جرم انگاری در این گونه اعمال صرفاً جهت جلوگیری از ضررهای ناشی از آن است، چنانچه این اعمال در بردارنده ضرری نباشد نمی تواند در جرگه این جرائم محسوب شود. قاعده لاضرر: "لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام"، حکم ضرری در اسلام وضع نشده است.

۶- بعد ماهوی و عناصر تشکیل دهنده ی آن

تعریف عنصر قانونی جرم: یعنی هیچ فعل یا ترک فعلی جرم محسوب نمی شود مگر این که از طرف قانونگذار به عنوان جرم معرفی و مجازات برای آن مقرر شده باشد.

۶-۱- رکن قانونی جرائم اقتصادی

در حقوق کیفری اقتصادی منابع ملی و فراملی متنوعی وجود دارد. در این قوانین برای تعیین مجازات نوعاً از فن ارجاع به دو شکل استفاده می شود؛ ۱- در متن قانون مقنن یک قاعده را وضع می کند و در پایان متن یک ماده مستقلی را به مجازات اختصاص می دهد. این به این معنی است که جرایم قبلی از نظر مقنن یکسان است که در قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۳ به چشم می خورد. ۲- در یک ماده مقنن جرم را تعریف می کند ولی مجازات را در همان ماده نمی آورد بلکه در ذیل آن از عبارت «در حکم» استفاده می کند. این شیوه در کشور ما مرسوم است و ممکن است دو جرم هیچ رابطه ی ماهیتی نداشته باشند مثلاً در ماده ی ۲۷۹ ق.م.ا محاربه تعریف شده است و در جایی دیگر مقنن احتکار و گرانفروشی را در حکم محاربه می داند یا قاچاق انسان که این جرم را از مصادیق محاربه معرفی می کند. اگر مقنن می خواهد اوصاف و نیز مجازات جرم را تشدید کند چه لزومی به تغییر عنوان دارد. (در تحقیق مورد نظر عناصر قانونی در مجازات ذکر شده است).

۶-۲- رکن مادی جرائم اقتصادی

یعنی جرم باید فعلیت یابد و وجود خارجی پیدا کند و صرف تصور و اراده ای که فعلیت نیافته و یا تهیه مقدمات ارتکاب آن، جرم محسوب نمی شود. عنصر مادی جرایم اقتصادی بیشتر به صورت ترک فعل رخ می دهد. مثل عدم ثبت شرکت ها، عدم وجود نظم در دفاتر حسابداری و.

۶-۳- رکن معنوی جرائم اقتصادی

یعنی قصد مجرمانه (سوءنیت) یا تقصیر جزایی (خطای کیفری) یکی دیگر از عناصر متشکله جرم است به عبارت دیگر، اهلیت جزایی و مسئولیت کیفری (قابلیت انتساب و اسناد عمل مجرمانه) از شرایط تحقق جرم هستند و در صورت فقدان آنها، جرم تحقق یافته محسوب نمی شود. عنصر معنوی در جرایم اقتصادی نوعاً مفروض است و بیشتر جنبه ی مادی صرف دارند زیرا حرفه ای بودن صاحبان مشاغل با آگاه بودن آنها از آثار اعمالشان ملازمه دارد.



حقوقدانان برای تحقق هر جرم علاوه بر وجود عنصر مادی وجود عنصر معنوی و یا روانی را شرط می دانند. اصولاً مرتکب عمل خلاف مقررات باید با سوء نیت و به قصد ارتکاب جرم انجام داده باشد در غیر اینصورت اعمال ارتكابی وی مشمول مقررات و مرتکب مستحق مجازات نخواهد بود و بر همین اساس جرائم به اعتبار وجود سوء نیت در وقوع آن از ناحیه مرتکب و عدم آن به دو دسته جرائم عمدی و جرائم غیر عمدی تقسیم می شود. در جرائم عمدی، اثبات عمد برای اعمال مجازات شرط لازم است زیرا « عمد متضمن میل و تصمیم فاعل در رسیدن به نتیجه مجرمانه است». به عبارت دیگر وقتی عمدی بودن یک عمل مجرمانه ثابت می شود که مرتکب با اراده و تصمیم خود برای رسیدن به نتیجه ای که از عمل مجرمانه حاصل می شود مبادرت به آن عمل نموده باشد.

عنصر روانی در حقیقت یک حالت ذهنی که مرتکب باید حین وقوع بزه دارا باشد. به این حالت ذهنی « نیت و قصد » می گویند. البته « عنصر روانی درجات و حالات مختلفی دارد و تنها به یک حالت ذهنی صرف اشاره ندارد. از اهم این درجات « نیت »، « بی تفاوتی یا بی پروایی » و « غفلت و اهمال » است. همانگونه که اشاره شد « نیت » تصمیم قبلی مرتکب برای انجام بزه است، بنابراین بزهکار خود را از قبل برای انجام عمل آماده می کند و لوازم ضروری برای ارتکاب بزه را فراهم می سازد، و حین انجام بزه قصد حصول نتیجه عمل مجرمانه را دارد. و گاهی مرتکب چنین تصمیمی ندارد، ولی اقدام به عمل می کند و بر اثر آن جرمی محقق و نتیجه عمل مجرمانه حاصل می گردد ولی مرتکب قصد انجام آن را نداشته است، اما « او آگاهی دارد که احتمال (هرچند جزئی) وجود دارد که عمل او موجب نتیجه ممنوعه گردد». یا چنین فردی « می بایست خطرات موجود در اعمال خود را پیش بینی کرده باشد. » مثل فردی که قصد کشتن انسانی را ندارد ولی با آلت قتاله وی را مورد ضرب و جرح قرار می دهد در این مورد اگر چه نیت و قصد قتل وجود ندارد و از قبل مرتکب برای قتل خود را آماده نکرده است، لیکن او چون می داند بکارگیری چنین وسیله نوعاً منجر به قتل می شود و یا در شرایطی است که خطرات استفاده از آن را باید پیش بینی می کرد و اقدام به چنین عملی نمی نمود، ولی او اعتنائی به آگاهی خود نکرده و چنین پیش بینی را معمول نداشته است، عمل وی متصف به وصف عمدی بودن می باشد. به چنین شخصی در حقیقت بی تفاوتی یا بی پروا می گویند که می بایست « احتمال یا امکان رخدادن نتیجه را پیش بینی می کرد».

گاهی عنصر روانی در قالب مسامحه کاری، اهمال و غفلت جلوه می نماید. مسامحه کار کسی است که « رفتار او با معیارهایی که از یک شخص عادی معقول در موقعیت او انتظار می رود مطابقت نداشته باشد. » و از آن تعبیر به حالت ذهنی خالی یا فکر نکردن می نمایند. البته اینکه بخواهد عنصر روانی را در این قالب معنا پیدا کند خالی از ایراد نیست، زیرا چگونه ممکن است فردی را که از درجات غفلت بوده و متوجه نتیجه حاصل از عمل مجرمانه نیست و احتمال حصول آن را هم نمی دهد دارای مسئولیت کیفری دانست.

بنابراین وجود عنصر روانی چه به صورت « نیت و قصد » باشد و خواه به صورت بی تفاوتی و بی پروایی برای توجه مسئولیت کیفری به مرتکب عمل مجرمانه لازم است. البته گاهی عمل مجرمانه به صورتی واقع می شود که از نفس عمل سوء نیت مرتکب فهمیده می شود و دیگر نیازی به احراز این معنا که آیا فاعل عمل را با سوء نیت انجام داده است یا نه ندارد. برای مثال در جرم تجاوز جنسی با عنف حاجتی به احراز سوء نیت فاعل آن نیست زیرا ماهیت عمل و نوع آن و اینکه مرتکب این عمل را با زور و عنف انجام داده است، همه حکایت از این معنی دارد که وی در ارتکاب این عمل سوء نیت داشته است و احراز سوء نیت با انجام تحقیقات جداگانه از تحقیقاتی که برای وقوع بزه از نظر مادی صورت گرفته است ضرورت ندارد. ولی گاهی فعل مرتکب ذاتاً بر نیت سوء او دلالت نمی کند و معلوم نیست این فعل به قصد حصول نتیجه مجرمانه ارتکاب یافته و یا فاعل از آن نتیجه غافل بوده و به آن توجه نکرده است. در این صورت مجرم شناختن فاعل مستلزم احراز سوء نیت وی می باشد، در غیر این



صرت عمدی بودن عمل ثابت نبوده و مستحق مجازات نمی باشد ، مثل بزه «تخریب» که نفس عمل گویای سوء نیت عامل نیست، باید با تفحص و انجام تحقیقات برای محکمه سوء نیت وی ثابت شود.

در جرائم اقتصادی ، برخی عقیده دارند سوء نیت عاملین این جرائم در نفس عمل مادی آنها نهفته است و احراز سوء نیت در آنها مستتر می باشد . بنابراین به محض تحقق عنصر مادی جرم محقق گردیده و باید مرتکب مجازات شود.

به نظر می رسد اندیشه عدم لزوم رکن روانی در جرائم اقتصادی با اصل حاکم بر مسئولیت کیفری که احراز سوء نیت برای توجه اتهام و استحقاق مجازات را شرط دانسته منافات دارد. صحیح آن است که گفته شود جرائم اقتصادی هم مانند همه جرایم باید سوء نیت واقع شده باشد تا مجرمیت فاعل محرز گردد.

۷- بعد شکلی جرایم اقتصادی:

- ۱- ضابطان خاص: در جهت کشف و اثبات جرایم اقتصادی نیازمند وجود ضابطین خاص و آموزش داده در کنار ضابطین عام می‌باشیم. مثلاً مامورین گمرک.
- ۲- مراجع قضایی مربوط به جرایم اقتصادی: به جرایم اقتصادی باید در دادگاه اختصاصی رسیدگی شود در کشور ما نیز وجود مجتمعی به این منظور اختصاص داده شده است. که تخصص گرای عملی و نه قانونی را ملاحظه می‌کنیم.

۸- مجازات ها در جرایم اقتصادی

مجازات ها بیشتر به صورت ۱. جریمه ی نقدی و مجازات مالی ۲. ضبط و مصادره ی اموال پیش بینی می شود. علت مالی بودن مجازات ها نیز این است که معمولاً مرتکبان این جرایم به دنبال سود و درآمد اقتصادی اند. مثلاً در جرایم تعزیرات حکومتی ارقام جریمه به ۲۰ میلیارد تومان می رسد. البته در کنار آن محرومیت از حقوق اجتماعی هم وجود دارد. مثل تعطیلی موقت، محرومیت از شرکت در مناقصه و ...

۹- نتیجه گیری

ملاک حرمت و استحقاق کیفر برای مرتکبین در خصوص مسائل اقتصادی در فقه اسلامی توجه ضرر به افراد یا جامعه است و چنانچه این اقدامات در بردارنده این امر نباشد مجرمانه تلقی نمی‌شود بنابراین با تمسک به اصل نفی ضرر و وجوب رفع آن از جامعه توسط حکام می‌توان بر اساس قوانین اسلامی هر عملی که موجبات اضرار به افراد جامعه را فراهم نماید جرم محسوب کرد لیکن این ملاک در قوانین موضوعه به طور کلی پذیرفته شده است عدم اعتبار مقدار بزه جعل و تزویر به خوبی جلوه‌گر است.

پیشگیری: پیشگیری یکی از مهمترین ارکان مقابله با جرایم اقتصادی است که با توجه به ظهور این جرم در سده اخیر متأسفانه تاکنون موقعیت واقعی و تعیین کننده خود را در سیاست تقنینی و اجتماعی جوامع به خصوص (ایران) نیافته است، پیشگیری امری است که قبل ارتکاب جرم یعنی در مرحله خاص به ظهور رسیده است و قابل پیشگیری می باشد. توجه و درک نقش پیشگیری از جرم با توجه به اثرات آن باید در اهمیت موضوع آن نمایان گردد. در همین حال جرم اقتصادی نیز به آن دسته از جرایمی تعلق دارد که دارای تاثیرات اجتماعی امری بدیهی و آشکار است.



سوء استفاده از اموال عمومی در اشکال مختلف در جامعه صورت می گیرد شناسایی این طرق و وضع مقررات مناسب برای پیشگیری از آن و تعیین کیفر لازم برای مرتکبین ضروری است برخی از قوانین موضوعه مشمول برخی از مصادیق اعمال فساد انگیز اقتصادی که نسبت به مشابه آن جرم انگاری شده است نمی شود لازم است در تعبیر این مقررات و تنظیم قوانین اقدام گردد. مثلاً مقررات اختلاس شامل مستخدمینی که سوء استفاده از مستخدم در اموال عمومی نسبت به اموال منقول است جهت جلوگیری از پیشگیری از وقوع کثیری از جرایم اقتصادی عمده نیاز به اتخاذ تدابیر و وضع قوانین شایسته داریم. از مسائلی که می تواند در پیشگیری این گونه جرایم موثر باشد منع زمامداران و دولتمردان و صاحبان منصب حکومتی از هر نوع تجارت و بازرگانی یا دخالت در امور تولیدی و خدماتی است. زیرا اینگونه افراد بدلیل نفوذ خود در جامعه جهت حفظ منافع یا تحصیل ثروت به طور بی رویه در ایجاد جرایم اقتصادی عمده نقش به سزایی دارند.

و نیز از عوامل موثر در بازدارندگی اشخاص از ارتکاب جرم رسیدگی فوری به جرایم است بخصوص در جرایم اقتصادی که جو جامعه متأثر از وقوع آن است. زیرا مردم اخلاص در نظام زندگی اقتصادی خود را ناشی از سوء استفاده و خیانت عاملین اینگونه جرایم می دانند. بنابراین حذف تشریفات رسیدگی در آن می تواند در عبرت دیگران و پیشگیری از وقوع این بزه ها و التیام بخشیدن به اثرات روانی به وجود آمده از آن موثر واقع شود.

جرم انگاری نسبت به مسائل اقتصادی جامعه ما، نوعاً توأم و همزمان با وقوع اعمال مضربه اقتصاد جامعه نبوده بلکه مشاهده می شود مدت ها از وقوع این اعمال و سوء استفاده مرتکبین آن می گذرد پس قانونگذاران نوعاً با شک و تردید به وضع قوانین در این رابطه می پردازند بدیهی است تشکیل کمیسیون حقوقی متشکل از افراد خبره و بصیر که با تمام نهادهای مربوط اجتماعی رابطه تنگاتنگ داشته تا به موقع بتواند با ارائه لوایحی به قوه مقننه مقررات شایسته جهت برخورد با سوء استفاده کنندگان به تصویب برسد ضروری و لازم است لوایح ارائه شده در خصوص جرم انگاری در مورد اقتصادی باید به فوریت و بدون هیچگونه تشریفات پس از تشخیص لزوم تصویب آن توسط اعضای کمیسیون صورت گیرد تا در کوران قانونگذاری در این خصوص سودجویان با زد و بندهای متداول پارلمانی فرصت عقیم گذاشتن اقدامات تضمینی را پیدا ننماید.

قانون جدید مجازات اسلامی تدابیر لازم رادر زمینه مبارزه بامفاسد اقتصادی پیش بینی کرده است، ولی این درحالیست که این اقدام جزباعزم جدی تمامی قوا و هماهنگی و همبستگی بین آن ها موثر نخواهد بود.

مبارزه با فساد اقتصادی از چنان اهمیتی برخوردار است که چنانچه در این زمینه اقداماتی صورت نگیرد، کل نظام جامعه تخریب خواهد شد و حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامع هم تزلزل می شود.

فساد اقتصادی و مبارزه با آن بسیاری از کشورها را با مشکل اساسی مواجه کرده است، که مهم ترین عامل آن در بخش عمومی به تصدی های نامحدود دولت در امور اقتصادی مربوط می شود که موجب کندی رشد اقتصادی و عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در کشور است.

از رسالت های مهم دولت، مدیریت منابع مالی و بهره برداری صحیح از امکانات و برنامه ریزی دقیق برای توزیع و تقسیم آن، جلوگیری از اسراف، تبذیر، سوء استفاده، اختلاس، غارت و تامین نیازهای عمومی و عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق مردم است.



منابع

الف : کتب فارسی :

- ۱-قرآن
- ۲-نهج البلاغه
- ۳-ایمانی ، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، ج ۲، تهران، نشر آریان، ۱۳۸۲، چاپ اول، ۱۵۱
- ۴-باقرزاده، احد ، جرایم اقتصادی و پولشویی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳، چاپ اول
- ۵-جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی جلد ۱، چاپ نشر آزادی، ۱۳۶۷
- ۶-جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، چاپ نشر آزادی، ۱۳۶۷
- ۷-ساکي، محمد رضا؛ حقوق کیفری اقتصادی، ج ۳، تهران، انتشارات جنگل ، چاپ سوم ۱۳۸۹
- ۸-شهری ، غلامرضا، نظریه های اداری-حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری ج ۱۳۸۸
- ۹-علی آبادی، عبدالحسین، علوم جنایی، ج ۴، چاپ سوم، انتشارات فردوسی، تهران ۱۳۷۳
- ۱۰-کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، نشر یلدا، چاپ اول تهران، ۱۳۷۴
- ۱۱-کشاوری، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم تهران ۱۳۷۶
- ۱۲-کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، بیجا، تهران، ۱۳۷۰ ش ۱
- ۱۳-گلدوزیان، ایرج ، حقوق جزای اختصاصی ج- نشر ماجد- چاپ چهارم، ۱۳۸۷
- ۱۴-لانگست-پیتر و دیگران؛ ترجمه امیر حسین جلالی فراهانی و حمید بهره-مند بگ نظر، برنامه های جهانی مبارزه با فساد، نشر مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷
- ۱۵-معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه؛ منشور مبارزه با مفاصد اقتصادی. تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۸۹
- ۱۶-معاونت آموزش قوه قضائیه - سیاست جنایی، تقنینی ایران در جرایم اقتصادی ، تهران، انتشارات یلدا ۱۳۸۵
- ۱۷-منتسکیو، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتری، امیرکبیر، چاپ دهم تهران ۱۳۶۳
- ۱۸-موسوی، اردبیلی، عبدالکریم فقه الحدود و تعزیرات، چاپ دهم ۱۴۲۰
- ۱۹-میرمحمد صادقی، حسین، تحلیل مبانی حقوق جزا، انتشارات جهاد دانشگاهی، شهید بهشتی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۶ ش
- ۲۰-نمازی ، حسین، نظامهای اقتصادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، بیجا، تهران، ش ۱۳۷۳
- ۲۱-نوربها، رضا، زمینه های جرم شناسی ، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، تهران ۱۳۷۷
- ۲۲-نورزاد، مجتبی، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، نشر جنگل ۱۳۷۶
- ۲۳-ولیدی، محمد صالح؛ حقوق کیفری اقتصادی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶، چاپ اول،
- ۲۴-ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ترجمه احمد آرام ، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی تهران ۱۳۸۷

ب : مقالات حقوقی

- ۱-بیابانی، غلامحسین و نجفی ، مرتضی ۱۳۸۹، انتشارات یلدا، مجله رسمی و اقتصادی شماره ۲۶۶ و ۲۶۵
- ۲-جرائم اقتصادی جرم مشخص شده سده ۲۱، انتشارات صبا، مجله رسمی و اقتصادی شماره ۳۵۸

- ۳- فرجادی ، غلامعلی ، اقتصاددانان بزرگ قبل از کینز ، انتشارات وثقی تهران ۱۳۵۷ .
- ۴- فرجادی ، غلامعلی ، ظهور و افول علم اقتصاد توسعه مجله برنامه و توسعه شماره ۹ بهار ۱۳۶۶
- ۵- فرهنگ ، منوچهر ، اقتصاد معاصر ، رشد ، بحران و استراتژیهای اقتصادی، انتشارات سروش تهران ۱۳۷۶ .
- ۶- قدیری اصلی ، باقر ، سیراندیشه اقتصادی ، انتشارات دانشگاه تهران چاپ نهم ۱۳۷۶ .
- ۷- محمدی سوادگر ، اقتصاددانان کلاسیک و نظریه ارزش ، انتشارات افست چاپ دوم ۱۳۵۷ ، تهران .
- ۸- نصیری ، حسین ، توسعه پایدار چشم انداز جهان سوم ، انتشارات فرهنگ و اندیشه چاپ اول تهران ۱۳۷۹ .
- ۹- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تازه های علوم جنایی، مجموعه مقالات جرم شناسی، نشر میزان ۱۳۸۸